

تقصیبات اوکاها

رأی دیوان کشور بر شکستن

در مورد بیکه دادگاه برای شمول قسمت اخیر ماده ۱۷۱ قانون مجازات علم متهم را بحساسیت موضع شرط دانسته باشد

ماده ۱۷۱ قانون مجازات

موضع اصابت و تأثیر آن در فوت مجنی علیه باستناد عدم ثبوت علم متهم بحساسیت موضع و اینکه ایراد ضرب بآن موضع نوعاً منتهی بفوت میشود عمل او را مشمول قسمت مزبور ندانسته و این استدلال مخدوش است چه برای تحقق این امر علم مرتکب شرط نیست و همین قدر که کسی ضرب و جرح عمداً بموضعی از بدن دیگری وارد آورده که حساس و نوعاً و غالباً کشنده باشد و منتهی بفوت شود عمل مشمول قسمت اخیر ماده ۱۷۱ خواهد بود چه یکی از فروض و صور محتمل ورود ضرب و جرح بموضع حساس و کشنده است و عامد در چنین عملی وارد آورنده ضرب و جرح بموضع حساس و مؤثر در فوت شمار میرود بنا بر این بر فرض هم که آلت استعمال شده از طرف متهم در این مورد بطوریکه دادگاه تشخیص داده قتاله محسوب نشود عمل انتسابی بالحفاظ خصوصیت موضع اصابت و کیفیات جرح که برگهای مربوط بر و نده حکایت میکنند مشمول قسمت اخیر ماده ۱۷۱ بوده و از این جهت حکم فرجام خواسته مخالف قانون محسوب و بموجب ماده ۴۳ قانون اصول محاکمات جزائی نقض میشود.

کسی بانهاض ضرب منتهی بفوت تعقیب و دادگاه جنائی باستناد اینکه متهم باینچه بیست مجنی علیه زده (بدون اینکه علم او بحساسیت موضع اصابت و اینکه ضرب بآن موضع نوعاً منتهی بمرگ میشود ثابت باشد) و منتهی بفوت او گردیده با تطبیق عمل بر قسمت اول ماده ۱۷۱ قانون مجازات و رعایت تخفیف بر طبق مواد ۴۴ و ۴۵ اصلاحی آن قانون او را بدو سال حبس مجرد محکوم کرده. دیوان کشور شعبه (۲) در حکم شماره ۶۲۵ بتاریخ ۲۳-۳-۱۸ چنین رأی داده است:

(راجع بدرخواست فرجام دادسرای استان نظر به اینکه اعتراض دادسرای مزبور خلاصه آنکه «عمل ارتکابی متهم مشمول قسمت اخیر ماده ۱۷۱ قانون مجازات عمومی است و تطبیق دادگاه عمل او را با قسمت اول آن ماده بر فرض که آلت استعمال شده قتاله محسوب نشود از لحاظ موضع اصابت که از مواضع حساس و کشنده بوده صحیح نیست و از این جهت حکم فرجام خواسته مخالف قانون بشمار میرود» بالتسلیح وارد میباشد زیرا دادگاه جنائی با اشعار ضمنی بحساسیت

رأی دیوان کشور بر صلاحیت دادگاه عمومی

راجع باختلاف در صلاحیت در مورد سرقت در طری

قانون راهزنان مصوب خرداد ۱۳۱۰

دو نفر بانهاض اولی در جاده عمومی کسی را بزمین زده و دومی مقداری پول و اسباب از جیبش بیرون آورده

(۲) در حکم شماره ۵۸۳ بتاريخ ۱۴-۳-۱۸ چنین رأی داده است:
(نظر باینکه بر حسب حکایت ترک‌های پرونده کار سرقت موضوع شکایت در خارج آبادی محل و با خصوصیات که داشته طوری نیست که راهزنی بمعنی منظور در ماده يك قانون مجازات قطاع الطريق مصوب خرداد ۱۳۱۰ بر آن اطلاق شود و دادگاه‌های عمومی برای رسیدگی به آن صلاحیت خواهند داشت لذا باز پرس دادگستری صالح تشخیص میشود)

و سرقت برده اند تحت تعقیب واقع باز پرس دادگستری بعنوان اینکه دزدی بطور راهزنی بوده قرار عدم صلاحیت با استناد صلاحیت دیوان حرب صادر کرده - بازجوی دیوان حرب نیز (با استناد اینکه اولاً شاکمی دلیلی اقامه نکرده ثانیاً بر فرض صحت که او را دو نفر منتهم در خارج آبادی دیده و بزمن زده بول و اسباب از او گرفته باشند اطلاق راهزنی بر چنین عملی نمیشود) قرار عدم صلاحیت داده - پرونده برای حل اختلاف بدیوان کشور فرستاده شده - دیوان کشور شعبه

رای دیوان کشور بر نقض

در موردی که دادگاه استان از لحاظ اینکه فقط دادستان پژوهش خواسته و معترض درخواست پژوهشی نکرده بوده دادخواست اعتراض معترض را رد کرده باشد
ماده ۳۵۵ قانون دادرسی جزائی

چون معترضین از حکم دادگاه بدایت پژوهش نخواسته اند و حکم مزبور نسبت بانها قطعی بوده قانوناً حق اعتراض منصور نیست مخدرش بنظر میرسد چه آنکه پس از تقاضای پژوهش از ناحیه دادستان منتهمین از اصحاب دعوی بشمار آمده و همینکه حکم غیابی صادر شود حق اعتراض را اصولاً دارا خواهند شد بنا بر مراتب مزبور قرار رد دادخواست نسبت بفرجام خواه که در جلسه حاضر نبوده و حکم در حق او غیابی بوده باتفاق آراء نقض میشود)

چند نفر در دادگاه جنحه محکوم بحبس شده و در دادگاه استان در اثر تقاضای دادستان رسیدگی و حکم را غیباً تأیید میکند و درخواست اعتراض آنها را (از لحاظ اینکه منتهمین از حکم جنحه پژوهش نخواسته اند و حکم نسبت بانها قطعی است) رد نموده - دیوان کشور شعبه (۵) در حکم شماره ۵۳۰ بتاريخ ۱۰-۳-۱۸ چنین رأی داده است:
(استدلال دادگاه استان در رد دادخواست اعتراض باینکه

رای دیوان کشور بر نقض

در موردی که دادخواست اعاده دادرسی بدادگاهی داده شده که صادرکننده حکم قطعی نبوده
ماده ۲۴ و ۳۴ قانون دادرسی حقوقی

حکم صادر از دادگاه شهرستان حکمی بمحکومیت کسی بخلع ید از ملک و تسلیم آن بمدعی صادر و قطعی میشود - محکوم علیه دادخواست اعاده دادرسی را بدادگاه شهرستان تقدیم نموده و پس از رسیدگی درخواست او رد میشود - محکوم علیه پژوهش خواسته و دادگاه استان قرار رد اعاده دادرسی را استوار میکند - محکوم علیه بعنوان اینکه مرجع رسیدگی از ابتدا دادگاه استان بوده بر حکم نامبرده اعتراض کرده - دیوان کشور شعبه (۳) در حکم شماره ۵۱۹ بتاريخ ۲۸-۳-۱۸ چنین رأی داده است:
(نظر باینکه از محتویات پرونده معلوم میشود که

از دادگاه شهرستان حکمی بمحکومیت کسی بخلع ید از ملک و تسلیم آن بمدعی صادر و قطعی میشود - محکوم علیه دادخواست اعاده دادرسی را بدادگاه شهرستان تقدیم نموده و پس از رسیدگی درخواست او رد میشود - محکوم علیه پژوهش خواسته و دادگاه استان قرار رد اعاده دادرسی را استوار میکند - محکوم علیه بعنوان اینکه مرجع رسیدگی از ابتدا دادگاه استان بوده بر حکم نامبرده اعتراض کرده - دیوان کشور شعبه (۳) در حکم شماره ۵۱۹ بتاريخ ۲۸-۳-۱۸ چنین رأی داده است:

باتفاق آراء نقض میشود + + +

نظر باینکه از محتویات پرونده معلوم میشود که

رای دیوان کشور بر نقض

در مورد بیکه دادگاه بدون جلب نظر پزشک راجع بصدمه وارده و مدت معالجه اظهار عقیده کرده
ماده ۷۸ اصول جزائی و ماده ۱۷۳ قانون مجازات

عقیده کرده باشد مدت معالجه را بیش از ۲۰ روز تشخیص داده وارد بنظر میرسد زیرا حکم دادگاه در این قسمت متکی به هیچگونه دلیلی نیست و نیز نظریه نماینده دادرسی دیوان کشور در قسمت ایراد ضرب که دادگاه منتهی شدن آنرا بقتل ثابت ندانسته خلاصه مبنی بر اینکه اصول و کیفیات منشاء استنباط دادگاه با ادله و قرائن و شواهد موجوده در پرونده مخالف است موجه بنظر میرسد بنا بر این حکم فرجام خواسته با استناد ماده ۳۰ و ۳۰ مکرر قانون اصول محاکمات جزائی با اتفاق آراء نقض میشود (۰۰)

کسی بانها: ضرب منتهی بقتل مورد تعقیب واقع و قضیه در دادگاه جنائی طرح شده دادگاه مزبور قوت را در اثر ضرب ندانسته و با تطبیق عمل بر قسمت اول ماده ۱۷۳ قانون مجازات او را بششماه حبس تادیبی محکوم کرده است. دیوان کشور شعبه ۲ در حکم شماره ۵۶۲ بتاريخ ۱۴/۳/۱۸ چنین رای داده است:

« اعتراض دادستان استان دایر باینکه تطبیق جرم متهم از حیث ایراد ضرب با شق اول ماده ۱۷۳ قانون مجازات عمومی ملاک قانونی ندارد چه دادگاه بدون آنکه قبلا پزشکی در خصوص صدمه وارده و مدت معالجه اظهار

رای دیوان کشور بر نقض

در مورد بیکه دادگاه با وجود تصرف انتقال گیرنده در مبیع شرطی انتقال دهنده را بپرداخت خسارت تاخیر تادیه محکوم نموده است

ماده ۳۴ قانون ثبت

که عین ملك در تصرف انتقال گیرنده یا قائم مقام او نباشد و بر حسب اظهار وکیل مدعیه ملك مورد نزاع در تصرف مورث مشارالیهها بوده و پس از مدتی مدعی علیه آنرا تصرف نموده بنا بر این حکم بخسارت تاخیر تادیه از تاریخ انقضاء حق استرداد تا تاریخ اسداز حکم بدون تحقیق از مدت تصرف انتقال گیرنده و یا قائم مقام او و خارج کردن آن مدت از حکم مذکور موقع نداشته لذا حکم مورد شکایت بموجب ماده ۳۴۰ قانون اصول محاکمات اصلاحی نقض میشود (

کسی در دادگاه شهرستان بر در خواست ثبت دیگری اعتراض و محکوم به بیحقی میشود دادگاه استان حکم را فسخ و از نظر شرطی بودن مستند اصلی دعوی پژوهش خواننده را محکوم بپرداخت ثمن معامله و مبالغی بابت خسارت تاخیر اداء مینماید. دیوان کشور شعبه ۴ در حکم شماره ۵۷۶ بتاريخ ۱۵/۳/۱۸ چنین رای داده است:

(چون خسارت تاخیر تادیه که در قانون ثبت اسناد در مورد معاملات با حق استرداد مقرر شده ناظر بصورتیست

رای دیوان کشور بر نقض

در مورد بیکه دادگاه اخذ جریمه از متهم بخارج شدن بدون گذر نامه از مرز را محتاج برسیدگی در دادگاه ندانسته

ماده ۲۶ قانون گذر نامه مصوب ۲۰/۱۰/۱۳۱۱

قابل تعقیب در دادگاه شناخته. دیوان کشور شعبه ۵ در حکم شماره ۵۴۶ بتاريخ ۱۴/۳/۱۸ بر اثر درخواست فرجامی دادستان استان چنین رای داده است:

کسی بانهام خارج شدن از ایران بدون گذر نامه در دادگاه منتهی با استناد ماده ۲۶ و ۲۳ قانون گذر نامه بپرداخت دوپهلوی محکوم شده دادگاه استان حکم را فسخ و متهم را

بدون صدور حکم مأخوذ خواهد شد و بلکه از کلمه نیز که در آن ماده ذکر شده استفاده میشود که اخذ جرمه تنها هم بموجب حکم خواهد بود و با اینحال اساس حکم فرجام خواسته قانونی نبوده و بر طبق ماده ۳۰ قانون اصول محاکمات جزائی با اتفاق آراء نقض میشود.

[مفاد استدلال دادگاه در فسخ حکم بدوی و غیر قابل تعقیب بودن متهم این است که در صورت عدم تکرار تخلف بر طبق ماده ۲۶ قانون مذکوره همان قیمت گذرنامه به علاوه يك برابر آن از متخلف اخذ میشود و این استدلال بيمورد است چه آنکه ماده ۲۶ مزبور دلالتی ندارد که جرمه

رای دیوان کشور بر نقض

در موردی که دادگاه ارتکاب به قتل سارق را بینهائی کافی برای شمول مواد ۱۹۰ و ۱۹۱ قانون مجازات (اروم تخفیف) دانسته باشد

ماده ۱۹۰ و ۱۹۱ قانون مجازات

که دادگاه از مواد ۱۹۰ و ۱۹۱ چنین استنباط نموده که همینکه علت و محرك قتل ارتکاب سرقت شد قضیه مشمول آن دو ماده خواهد بود و حال اینکه ارتکاب بقتل سارق بینهائی در شمول آن در ماده کافی نمیباشد و بلکه مواد مزبوره ظاهر در این است که قتل در حین دفاع برای جلوگیری از سرقت واقع شود و بهمین لحاظ تحقیقات کامله در این موضوع بعمل نیامده و بنا بر این حکم از جهت نقص تحقیقات قانونی نبوده و بر طبق ماده ۳۰ قانون اصول محاکمات جزائی با اتفاق آراء نقض میشود.

کسی بانهام ضرب منتهی بقوت مورد تعقیب واقع و دادگاه جنائی [بعنوان اینکه در نتیجه اقدام بدزدی از باغ متهم از طرف مجنی علیه متهم او را زده که منتهی بقوت او شده] بر طبق قسمت اول ماده ۱۷۰ قانون مجازات بارعایت تخفیف مطابق مواد ۱۹۰ و ۱۹۱ آن قانون او را بهشت ماه حبس نادیمی محکوم کرده - دیوان کشور شعبه [۵] در حکم شماره ۶۰۲ بتاريخ ۲۳-۳-۳۱۸ چنین رأی داده است:

(از حکم مورد فرجام خواهی چنین استنباط میشود)

رای دیوان کشور بر نقض

در موردیکه دادگاه حکم بحبس با کار بکمتر از سه سال داده باشد

ماده ۱۲ و ۴۵ مکرر قانون مجازات

داده است :
(اعتراض دادستان استان که حبس با اعمال شاقه اصولاً کمتر از سه سال نخواهد بود و تعیین ۲۷ ماه حبس با اعمال شاقه بر خلاف صریح قانون مجازات عمومی است بنظر وارد میآید چه آنکه در ماده ۱۲ قانون مجازات عمومی تصریح شده بر اینکه حبس موقت با اعمال شاقه از سه سال کمتر و از ۱۵ سال بیشتر نخواهد بود و در صورتیکه بر حسب قانون اقتضا نماید که حبس کمتر از سه سال در حق متهم تعیین شود سنخ مجازات طبعاً مبدل خواهد شد و بناء علیه

یکی بانهام شروع بعمل منافی عفت و دیگری بانهام مزبور و جرح مورد تعقیب واقع و دادگاه جنائی اولی را بر طبق ماده ۲۰۷ و ۲۰ قانون مجازات و رعایت تخفیف بر طبق ماده ۴۴ آن قانون بدر سال حبس مجرد و دومی را بر طبق ماده ۲۰۷ و ۲۰ و قسمت اول ماده ۱۷۳ قانون مجازات بارعایت ماده ۲ الحاقی و ماده ۴۵ مکرر برای شروع بعمل منافی عفت به ۲۷ ماه حبس با کار و برای جرح به ۹ ماه حبس نادیمی محکوم کرده است - دیوان کشور شعبه (۵) در حکم شماره ۵۴۵ بتاريخ ۱۴-۳-۳۱۷ چنین رأی

حکم فرجام خواسته از حیث تعیین مجازات برخلاف ماده مزبور صادر گردیده و بر طبق ماده ۳۰ قانون اصول محاکمات جزائی نسبت بدومی در این قسمت با اتفاق آراء نقض و نسبت بمحکومیت او در قسمت ایراد ضرب و همچنین نسبت بدیگری

نظر باینکه از طرف مشارالیهما اعتراض خاصی نکرده و از ملاحظه دادنامه و تطبیق مندرجات آن با سایر محتویات پرونده نیز اشکالی که مؤثر در نقض باشد بنظر نرسید حکم فرجام خواسته با اتفاق آراء ابرام میشود *

رای دیوان کشور بر نقض

در موردی که دادگاه با محرز نبودن عنف شروع بعمل منافی عفت غیر از هتک ناموس را منطبق با ماده

۲۰۸ قانون مجازات دانسته است

ماده ۲۰۸ اصلاحی قانون مجازات

کسی با اتهام عمل منافی عفت با عنف با زنی مورد تعقیب واقع یار که دادگاه جنائی بعنوان اینکه متهم خواسته مرتکب عمل شنیع شود ولی بواسطه رسیدن شوهرش موفق بانجام آن نگردیده بر طبق قسمت اخیر ماده ۲۰۸ اصلاحی قانون مجازات با رعایت تخفیف او را بششماه حبس تأدیبی محکوم نموده - دادستان استان فرجام خواسته - دیوان کشور شعبه ۵ در حکم شماره ۶۱۰ بتاريخ ۲۰-۳-۱۸ چنین رأی داده است:

* علاوه از اینکه بواسطه اجمال حکم مورد استدعای رسیدگی فرجامی معلوم نیست که در نظر دادگاه کدام یک

از اعمال منسوبه بمتهم محرز بوده است اعتراض دادستان استان که عمل بکیفیتی که در نظر دادگاه محرز گردیده منطبق با ماده ۲۰۸ قانون مجازات عمومی نمیباشد بنظر وارد میآید چه آنکه در ماده مزبوره اقدام شروع بعمل منافی عفت غیر از هتک ناموس در صورتی جرم قرار داده شده که مقرون بعنف باشد و بطوریکه دادنامه صریحاً حکایت میکند عنف در نظر دادگاه محرز نبوده است بنا بر این ترتیب حکم فرجام خواسته از حیث اجمال و از حیث تطبیق با مواد قانونی مخدوش بوده و بر طبق ماده ۳۰ قانون اصول محاکمات جزائی با اتفاق آراء نقض میشود *

رای هیئت عمومی دیوان کشور بر ابرام

راجع باینکه مواد مربوطه بتعدد و تکرار جرم شامل امور خلافی نمیباشد

ماده ۴۵ مکرر قانون مجازات

شوقری با اتهام توهین بیاسبان و تخلف از نظامات شهربانی تعقیب و دادگاه جنحه او را برای توهین بیک ماه حبس تأدیبی و برای تخلف از نظامات شهربانی بدو روز حبس تکدیبری محکوم مینماید - حکم مزبور در دادگاه استان تأیید میشود - بعد از نقض در دیوان کشور دادگاه استان دومی مجدداً حکم جنحه را تأیید میکند - قضیه در هیئت عمومی دیوان کشور مطرح و در حکم شماره ۶۰۰ بتاريخ ۳-۳-۱۸ چنین رأی داده است:

(مفاد اعتراض دادستان استان این است که چون

مورد از موارد تعدد جرم است دادگاه نبایستی در صورت رعایت تخفیف طبق ماده ۴۵ مکرر قانون مجازات عمومی مجازات متهم را از حداقل میزان مجازات معینه در ماده ۶۲ قانون مزبور تنزیل دهد و این اعتراض وارد نیست چه آنکه مواد مربوطه بتعدد و یا تکرار جرم عموماً ظاهر در جرائم جنحه و یا جنسائی است و مشمول امور خلافی نمیباشد و چون از جهات دیگر نیز اشکالی که مؤثر در نقض باشد بنظر نرسید حکم فرجام خواسته با اتفاق آراء ابرام میشود)

رای دیوان کشور در تعیین مرجع

در مورد بیکه کارمندان دادگاه استان سابقاً اظهار عقیده کتبی نسبت بدعوی نموده اند

شق ۷ ماده ۶۶ و ماده ۷۴ قانون آرمایش

در حکم شماره ۶۵۲ بتاريخ ۲۹-۳-۱۸ چنین رأی داده است:

(چون سه نفر از مستشاران دادگاه استان بلحاظ اظهار عقیده که سابقاً در مورد دعوی نموده اند از رسیدگی فرجامی امتناع کرده و فعلاً عده کافی در دادگاه استان مزبور برای رسیدگی نمیباشد لذا نظر بمنای مستنبط از ماده ۷۴ قانون اصول محاکمات آرمایش و سایر مواد مربوطه رسیدگی فرجامی قضیه بدادگاه استان ارجاع میگردد)

کسی خواسته تخلیه بد از خانه بر دو نفر در دادگاه بخش اقامه دعوی نموده و منتهی بصور حکم محکومیت مدعی علیهما گردیده حکم مزبور در دادگاه شهرستان تأیید میشود. موقع رسیدگی فرجامی کارمندان دادگاه استان (بلحاظ اینکه سابقاً راجع بدعوی جزائی که بین متداعین در موضوع تصرف همین خانه جریان داشته و در دادگاه استان مورد رسیدگی واقع شده اظهار عقیده کتبی در اینخصوص نموده اند) از رسیدگی امتناع و پرونده برای تعیین تکلیف بدیوان کشور فرستاده شده. دیوان کشور شعبه (۳)

رای دیوان کشور برای ابرام

راجع باینکه با احراز موجب تخفیف و تعیین مجازات قانونی ذکر نشدن ماده مربوطه به تخفیف در حکم از

موجبات نقض نخواهد بود

ماده ۴۵ مکرر قانون مجازات و ۳۰۴ قانون دادرسی جزائی

در نظر دادگاه ثابت شده بدون رعایت ماده ۴۵ مکرر قانون مجازات عمومی تعیین حد اقل مجازات مقرر در ماده استنادی در باره او مخالف قانون بوده (بر حکم مزبور وارد نیست چه از ملاحظه مجموع مندرجات آن و اینکه دادگاه با احراز موجبات تخفیف (که ظاهراً نسبت به فرد فقیر بزه مورد حکم است) مجازات متهم را از حد اقل مجازات مقرر در مواد استنادی کمتر قرار نداده معلوم است که منظور دادگاه از ماده ۴۵ که در حکم خود ذکر نموده همان ماده ۴۵ مکرر بوده و عدم قید کلمه مزبور در حکم ظاهراً مبنی بر اشتباه میباشد و بر هر تقدیر با احراز موجب تخفیف و تعیین مجازات بر طبق قواعد مربوطه عدم ذکر ماده راجع بتخفیف در حکم از موجبات نقض نخواهد بود)

کسی در دادگاه جزائی بجرم معرفی مال غیر بداره ثبت اسناد بنام خود (باستناد ماده ۲۳۸ قانون مجازات و رعایت تخفیف) بدو ماه حبس تأدیبی و برای خیانت در امانت نسبت بوجه نقد کسی (باستناد ماده ۱ و ۲ و ۴۵ آن قانون) بشش ماه حبس تأدیبی و برای خیانت در امانت نسبت بفته طلب بارعایت تخفیف بشش ماه حبس تأدیبی محکوم و از اتهام سرقت وانتقال اراضی غیر تبرئه شده. دیوان کشور شعبه ۲ در حکم شماره ۵۹۴ بتاريخ ۲۰-۳-۱۸ چنین رأی داده است:

(راجع بدو فقره محکومیت متهم بگناه خیانت در امانت که دادرسی استان بعنوان مخالفت مجازات معینه در حکم باقانون درخواست نقض آنرا نموده نظر باینکه اعتراض دادستان بدین خلاصه (باینکه ارتکاب متهم بگناهان متعدد

رای دیوان کشور بر نقض

راجع باینکه مناط در قتاله بودن آلت اینست که باعتبار موضع جرح دارای اثر باشد

ماده ۱۷۱ قانون مجازات

کسی بانتهام جرح منتهی بقوت مورد تعقیب دادرسی واقع و | باستناد مواد ۱۷۱ و ۳۶ و ۳۷ قانون مجازات ادعای امانت به

دادگاه جنحه تقدیم و بیک سال و نیم حبس در ذارالتادیب محکوم میشود - بعد از تأیید در دادگاه استان درخواست رسیدگی فرجامی شده - دیوان کشور شعبه ۲ در حکم شماره ۵۸۸ بتاریخ ۱۷-۳-۱۸ چنین رأی داده است :

(اعتراض دادستان استان بر حکم فرجام خواسته خلاصه آنکه [دادگاه باینکه قوت مجنی علیه را بر اثر وارد آمدن جرح از طرف متهم بوسیله چاقو به پهلوئی چپ او رسیدن به پرده صفاق دانسته عمل ارتكابی را با قسمت اول ماده ۱۷۱ قانون مجازات عمومی تطبیق کرده در صورتیکه ایراد جرح بوسیله چاقو با ملاحظه موضع جرح عمل را

مشمول قسمت اخیر ماده مزبور مینماید] وارد میباشد چه منظور از آلت قتاله در قسمت اخیر ماده استنادی و مناط در قتاله بودن آلت استعمال این است که نوعاً و غالباً ولو باعتبار موضع جرح دارای این اثر باشد و ایراد جرح بوسیله چاقو به پهلو بطوریکه به پرده صفاق رسیده باشد که منتهی بقوت مجروح شده اگر هم تنها باعتبار آلت استعمال شده مشمول قسمت اخیر ماده نشود با ملاحظه موضع جرح و کیفیت آن مشمول قسمت مزبور خواهد بود و از این حیث حکم فرجام خواسته مخالف قانون محسوب میشود)

رأی دیوان کشور برابر

راجع باینکه بعد از نقض حکم در دیوان کشور در ماهیت امر دادگاه مرجوع الیه ملزم با اتخاذ رأی مطابق دیوان کشور نیست ماده ۴۳۰ مکرر قانون دادرسی جزائی

در نفر بانها قتل تعقیب دادگاه جنائی از لحاظ فقد دلیل آنها و اثبوته میکند - حکم مزبور در دیوان کشور بر اثر فرجام خواهی دادستان استان و در خواست رسیدگی ماهوی دادیار دیوان کشور نقض و رسیدگی مجدد در ماهیت امر بدادگاه جنائی دیگر ارجاع میشود - دادگاه جنائی اخیر نیز بواسطه فقد دلیل آن دو نفر را تبرئه میکند - دادستان استان فرجام خواسته - دیوان کشور شعبه (۵) در حکم شماره ۶۰۳ بتاریخ ۲۳-۳-۳۱۸ چنین رأی داده است :

(مفاد اعتراض دادستان این است که محکمه مرجوع

الیه برطبق ماده ۴۳۰ مکرر قانون اصول محاکمات جزائی پس از نقض حکم در دیوان کشور در ماهیت ملزم از اتخاذ رأی بر طبق نظریه دیوان کشور است و این اعتراض وارد نیست چه آنکه از ماده مزبور چنین الزامی استنباط نمیشود بلکه از عبارت (برای یکمرتبه) که در ماده مزبوره ذکر شده خلاف آن ظاهر است و چون از ملاحظه دادنامه و تطبیق مندرجات آن با سایر محتویات پرونده نیز اشکالی که مؤثر در نقض باشد بنظر نرسید حکم فرجام خواسته بانفاق آراء ابرام میشود)

رای دیوان کشور بر صلاحیت دادگاه جنحه

راجع باختلاف در صلاحیت میان دادگاه جنحه و دادگاه جنائی در مورد اخفاء طفل تازه متولد

ماده ۲۰۱ و ۲۰۲ و ۲۰۳ قانون دادرسی جزائی و ماده ۱۹۶ قانون مجازات

زنی بانها پنهان کردن طفل تازه بدنیا آمده تعقیب و باز پرس قرار منع تعقیب او را در قسمت قتل طفل که مورد بازجوئی بوده با موافقت دادستان صادر و در قسمت اخفاء طفل در حدود قسمت اخیر ماده ۱۹۶ قانون مجازات او را مجرم دانسته و دادستان طبق همان ماده [با اشعار باینکه

معلوم نیست طفل زنده بدنیا آمده باشد) ادعای نامه بدادگاه جنحه فرستاده - دادگاه مزبور ارتکاب عمل را قتل عمدی و جنائی تشخیص و قرار عدم صلاحیت داده - دادگاه جنائی (از لحاظ اینکه رسیدگی در دادگاه جنحه برای پنهان کردن طفل بوده و راجع بقتل قرار منع تعقیب صادر شده و دادستان

داشته نسبت بانتهام متهمه بقتل طفل از طرف بازپرس قرار منع تعقیب صادر شده بوده و دادستان شهرستان نیز با آن قرار موافقت کرده و تمام عمل اخفاء جسد موضوع دعوی رسیدگی میباشد لذا دادگاه جنحه برای رسیدگی باین اتهام صلاحیت دارد و بالتبقیه نظر دادگاه جنائی تاابید میشود)

هم موافقت کرده [قضیه را قابل طرح در دادگاه جنائی ندانسته - پرونده برای حل اختلاف بدیوان کشور فرستاده شده - شعبه ۲ دیوان کشور در حکم شماره ۵۴۹ بتاریخ ۱۲-۳-۱۸ چنین رأی داده است :
(چون بطوریکه دادگاه جنائی در قرار خود اشتهار

رأی دیوان کشور بررد

در موردیکه متهم ذیل حکم پژوهشی عبارت «اعتراض دارم» رانوشه باشد

ذیل حکم نوشته اند «اعتراض داریم» و دفتر محل آن را بدیوان کشور فرستاده است شعبه ۵ دیوان کشور در حکم شماره ۵۴۸ بتاریخ ۱۴-۳-۱۸ چنین رأی داده است .
[شرحیکه متهمان ذیل دادنامه نوشته اند مخصوصاً با ملاحظه اینکه حکم ثانوی در غیاب متهمان صادر گردیده دلالت بر فرجام خواهی ندارد و بنسب بمراتب مزبوره شرح مذکور دادخواست فرجامی تلقی نشده و باتفاق آراء مقرر میشود که پرونده عودت داده شود)

در نفر بانتهام ضرب و تمرد بکارمند دولتی تعقیب و دادگاه جنحه هر یک را بر طبق ماده ۱۶۵ و ۱۶۰ قانون مجازات محکوم بحبس مینماید بعد از تأیید در دادگاه استان و نقض در دیوان کشور شعبه دیگر دادگاه استان حکم جنحه را غیاباً فسخ و یا تطبیق عمل با ماده ۱۶۵ قانون مجازات هر یک را به ۵۰ روز حبس تادیبی محکوم نموده و در اثر اعتراض آنها بمناسبت اینکه عمل با ماده ۱۶۰ آن قانون تطبیق میشود حکم غیابی را فسخ و متهمان را با رعایت تخفیف به یک ماه حبس تادیبی محکوم نموده - متهمان حین ابلاغ